

فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی

زاله شادی طلب*، فرشته حجتی کرمانی**

طرح مسأله: بروز طرد اجتماعی، یعنی محرومیت غیرارادی مردم از فرصت مشارکت در امور اجتماعی، می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم توفیق برنامه‌های توسعه در کاهش فقر تلقی شود. بررسی عمیق مفهوم سرمایه اجتماعی که مشارکت از اصلی‌ترین مؤلفه‌های آن است، می‌تواند به تصحیح دیدگاه برنامه‌ریزان توسعه کمک کند. **روش:** این مطالعه درباره رابطه فقر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی انجام شده و اطلاعات آن از دو روستای منطقه ورامین با تلفیقی از روش‌های تحقیق کیفی (بحث‌های گروهی و مصاحبه عمیق) و کمی (پیمایش و ابزار پرسش‌نامه) گردآوری شده است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش گرچه رابطه معکوس میان فقر و مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) تأیید شده است، اما نتایج رگرسیون چند متغیره مؤید رابطه معنادار متغیر «مشارکت در تصمیم‌گیری» از مقیاس مشارکت اجتماعی و «نزاع در میان روستاییان» از مقیاس انسجام اجتماعی با پدیده فقر است.

نتایج: درجه مشارکت روستاییان از حد سهم شدن در اطلاعات فراتر نرفته و روستاییان از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر محروم بوده‌اند. در نتیجه، مشارکت‌هایی از نوع ابزاری، تغییر چندانی در وضعیت فقر روستا به وجود نیاورده است. هم‌چنین به نظر می‌رسد ریشه دوانیدن خشونت در فرهنگ جامعه و خسارت‌های انسانی و مادی ناشی از آن، زمینه کافی را برای بروز و تداوم فقر فراهم می‌کند.

کلید واژه‌ها: انسجام اجتماعی، روستا، سرمایه اجتماعی، فقر، مشارکت اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۸۷/۶/۹

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۲۰

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران <jshadi@yahoo.com>

** کارشناس ارشد توسعه روستایی

مقدمه

تحقق مهم‌ترین هدف برنامه‌های توسعه یعنی کاهش فقر و تامین رفاه اجتماعی برای تمام مردم، شناخت عوامل موثر در ایجاد و گسترش فقر را ضروری می‌نماید.

برخی از نظریه‌پردازان، فقر را ناتوانی در مشارکت اجتماعی می‌دانند و فضای مفهومی فقر را با استفاده از مفهوم طرد اجتماعی مورد بحث قرار داده‌اند. در این دیدگاه طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد جامعه قادر به مشارکت در اجتماع نباشند، و در جایی اتفاق می‌افتد که افراد و گروه‌ها به طور غیرارادی از فرصت مشارکت در امور اجتماعی محروم می‌شوند (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۸-۴۰). براین اساس، مفهوم سرمایه اجتماعی که «مشارکت» از اصلی‌ترین مؤلفه‌های آن است می‌تواند برخی از ابهامات در مورد دلایل عدم موفقیت برنامه‌های فقر زدایی را توضیح دهد و دیدگاه‌های برنامه ریزان اجتماعی - اقتصادی را تصحیح کند.

سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست بلکه دارای عناصر متعددی است، ولی همه این عناصر دارای دو ویژگی مشترک هستند: نخست این‌که همگی شامل برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی هستند، بدین معنی که سرمایه اجتماعی در ساختار روابط میان کنش‌گران (اعم از اشخاص حقوقی یا حقیقی) نهفته است؛ و دومین نکته این‌که سرمایه اجتماعی کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند (کلمن به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۱، ۴۹). مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری‌اند. این مفاهیم اندیشه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک را به خود معطوف داشته‌اند. به نظر آیزنشتاد (Eisenstadt) مهم‌ترین مساله، نظم اجتماعی است و از نظر دورکیم (Durkheim) و تا اندازه‌ای تونیس، (Toennies)، اعتماد و همبستگی اجتماعی است و بدون انسجام و اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). پژوهش درباره نقش سرمایه اجتماعی، مدیریت برنامه‌های توسعه را آگاه می‌سازد که با سرمایه اجتماعی بیش‌تر می‌توان بر فقر و توسعه‌نیافتگی فائق آمد و ناتوانی مردم در مشارکت و طرد اجتماعی یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت برنامه‌های

توسعه است.

این مقاله به موضوع رابطه میان سرمایه اجتماعی و فقر در جامعه روستایی ایران پرداخته و با ارائه یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت) و فقر چگونه است.

۱) چارچوب نظری

پاتنام بر این عقیده است که همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت اجتماعی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۸، ۲۸۵-۲۷۹). شبکه‌های اجتماعی، مردم را بیش‌تر به همکاری و اعتمادپذیری تشویق می‌کند تا شرایط انفرادی ناشی از پی جویی نفع شخصی (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۲). سرمایه اجتماعی بر خلاف سرمایه اقتصادی، یک کالای عمومی است. شاید به همین دلیل است که اغلب کم ارزش تلقی شده و تلاش زیادی برای افزایش آن به عمل نمی‌آید. شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی است که با تسهیل کنش‌ها، کارایی جامعه را بهبود می‌بخشند.

الف) اعتماد: اعتماد همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس «اعتماد صمیمانه» صورت می‌گیرد، یعنی اعتمادی که به آشنایی‌های نزدیک افراد بستگی دارد؛ اما در جوامع بزرگ‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر ضرورت دارد. در این گونه جوامع اعتماد از دو منبع مرتبط یعنی هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی ناشی می‌شود.

ب) هنجارهای اجتماعی: هنجارهای اجتماعی حق کنترل یک عمل را از یک کنش‌گر به دیگران انتقال می‌دهند. هنجارها از طریق اجتماعی شدن و نیز از طریق تشویق‌ها و مجازات‌ها به افراد جامعه آموخته می‌شوند. در بسیاری از جوامع، هنجارهای قوی و شبکه‌های مشارکت خطر عهدشکنی را به حداقل می‌رساند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۸). تهدید به

محرومیت از حقوق اجتماعی - اقتصادی یک هنجار قدرت مند و قابل اتکاء در جامعه است. در جوامعی که مردم می‌توانند مطمئن باشند اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد احتمال زیادتری برای تعامل وجود دارد.

ج) شبکه‌های مشارکت اجتماعی: هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات میان افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها هم‌سطح (افقی) هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر، شبکه‌های عمودی هستند که شهروندان را بر اساس روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب به هم پیوند می‌دهند. در اغلب موارد شبکه‌ها ترکیبی از روابط عمودی و افقی را شامل می‌شوند. هرچه شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال بیش‌تری وجود دارد که شهروندان بتوانند برای منافع متقابل همکاری نمایند. نمونه‌ای از پیوندهای مشارکت هم‌سطح (افقی) پیوندهای خویشاوندی است که نقش خاصی در حل مسائل جمعی دارند، اما در سطح اجتماعی تقویت همکاری شبکه‌های خویشاوندی در مقایسه با شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت مشترک در انجمن‌ها) کم‌تر است. شبکه‌های مشارکت مدنی که شکاف‌های اجتماعی را دور می‌زنند موجب همکاری گسترده‌تری شده و بدین ترتیب انواع شبکه‌های مشارکت اجتماعی بخش مهمی از ذخیره سرمایه اجتماعی یک جامعه را تشکیل می‌دهند. روابط متقابل میان منابع سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت که خود - تقویت‌کننده و خود - افزایش‌دهنده هستند، از ویژگی‌های جامعه مدنی است. نبود این ویژگی‌ها یعنی عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا و بی‌نظمی، یکدیگر را در حفظ دوره‌های باطل توسعه نیافتگی تشدید می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۳-۲۸۵). از شاخص‌های بارز توسعه نیافتگی فقر، تداوم و گسترش آن در جامعه است.

دیدگاه‌های گوناگونی سعی کرده‌اند که فقر را معنا کرده، فقیر را تعریف کنند و نقش عوامل ایجادکننده و گسترش‌دهنده فقر را تبیین نمایند. راغفر سه رویکرد رایج درباره فقر را مطرح می‌کند: رویکرد درآمدی، رویکرد قابلیت‌ی و رویکرد مبتنی بر طرد اجتماعی (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۵۹-۲۵۶).

- **فقر درآمدی:** عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت از جمله نیازهای اساسی است که نبود آنها فقرا را از داشتن زندگی مطلوب محروم می‌سازد (هادی زنون، ۱۳۸۴: ۱۶۹).
 - **فقر قابلیتی:** این رویکرد بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها در رفع نیازهای انسان تاکید دارد. در این دیدگاه، فقر به هیچ وجه به معنی نداشتن درآمد نیست بلکه فقر به مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود. فرد دارای درآمدی که نتواند در فعالیت‌های آزاد سیاسی یا اجتماعی شرکت کند، یا فرد آموزش دیده‌ای که از دسترسی به منابع اقتصادی محروم است و نمی‌تواند قابلیت‌های خود را به کارکرد تبدیل کند، می‌تواند فقیر محسوب شود (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۲).
 - **فقر مبتنی بر طرد اجتماعی:** رویکردهای متفاوتی در بررسی فقر بر اساس مفهوم طرد اجتماعی مطرح شده است. برخی از دیدگاه‌ها نقش محوری را به پیوستگی، همبستگی و مسئولیت اجتماعی داده و طرد اجتماعی را نه تنها نشان‌گر رفتار هر فرد، بلکه گویای ناتوانی دولت‌ها در تأمین همبستگی اجتماعی می‌دانند. برخی دیگر طرد اجتماعی را بر اساس تفکیک جامعه به خودی (آن‌هایی که منابع را در اختیار دارند) و غیرخودی و ناشی از تحمیل گروه‌های معینی به دیگر گروه‌ها می‌دانند. در مطالعات تجربی مربوط به طرد اجتماعی از ترکیبی از این نظرها استفاده شده و طرد اجتماعی به معنای فقدان مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق مدنی تعریف شده است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۸-۴۰). در واقع این مطالعات، تلاش نمی‌کنند که فقر را اندازه‌گیری کنند بلکه می‌کوشند تا پویایی فرایند طرد اجتماعی را نشان دهند: این‌که چگونه تولید و بازتولید می‌شوند، چگونه مردم در وضعیت محرومیت و حاشیه‌ای شدن اجتماعی قرار می‌گیرند و از آن بیرون می‌آیند و این‌که نهادهایی که به طرد اجتماعی نظم می‌بخشند، کدامند (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۵۹).
- علاوه بر سه رویکرد فوق، می‌بایست به رویکرد کثرت‌گرایانه چمبرز اشاره داشت که

به علل، اهداف و عوامل متعددی که در ایجاد و تداوم فقر سهیم‌اند می‌پردازد.

- **رویکرد کثرت‌گرایانه:** این رویکرد بر شک و تردید پیرامون عوامل موثر بر فقر استوار است. این دیدگاه واقعیت فقر را با توجه به مجموعه دیدگاه‌ها مورد امعان نظر قرار داده و در ارزیابی برنامه‌های توسعه بیش‌تر به نقطه نظرات مردم توجه دارد. در نگاه چمبرز، فقر آن‌گونه که پرورده ذهن خود روستاییان است، متمایز از معرف‌هایی است که اقتصاددانان برای درآمد سرانه مطرح می‌کنند و اغلب با آنچه مصلحان بیگانه روستایی ارائه می‌دهند متفاوت است (چمبرز، ۱۳۷۶: ۵۶-۶۶ و چمبرز، ۱۳۸۱: ۱۹۷، ۱۹۸).

اگر بر پایه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و عوامل مرتبط با فقر به رابطه نظری بین این دو مفهوم پرداخته شود، این دو متغیر می‌بایست رابطه‌ای معکوس با یکدیگر داشته باشند، زیرا اگر سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی، تسهیل‌کننده کنش و نیرویی مولد در افزایش کارایی جامعه است و اگر بنیاد رشد و ثبات اقتصادی بر کنش‌های جمعی و ائتلاف منابع مشترک برای غلبه بر شکست‌های بازار استوار است، بنابراین می‌بایست سرمایه اجتماعی در کاهش فقر، به ویژه فقر درآمدی موثر واقع شود. هم‌چنین با توجه به این‌که مشارکت اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است، انتظار می‌رود با افزایش سرمایه اجتماعی، فقر با رویکرد طرد اجتماعی نیز کاهش یابد زیرا سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های مشارکت مدنی، کنش میان افراد را به نمایش می‌گذارد و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸-۲۹۶). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت شهروندان در شرایط برابر شانس استفاده از قابلیت‌های خود را خواهند داشت و کاهش طرد اجتماعی، یعنی افزایش سرمایه اجتماعی، می‌تواند سبب کاهش فقر، با تعریف قابلیت‌های آن نیز بشود.

۲) پیشینه مطالعه

پژوهش‌های انجام شده درباره رابطه میان پدیده فقر و سرمایه اجتماعی گرچه با

به کارگیری مؤلفه‌های خاصی از سرمایه اجتماعی و در فضای اجتماعی و سیاسی کاملاً متفاوت از ایران صورت گرفته ولی می‌تواند به فهم ما پیرامون اهمیت چنین رابطه‌ای در موفقیت برنامه‌های فقرزدایی و توسعه کمک کند.

گروتارت در تحقیقی که به تاثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه و فقر خانواده در اندونزی می‌پردازد، مشارکت اجتماعی را به عنوان تنها مؤلفه سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار داده و آن را با سنجه‌هایی مانند تراکم عضویت‌ها، ناهمگونی داخلی انجمن‌ها، حضور در جلسات، تصمیم‌گیری فعال و ... ارزیابی می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در این میان، عناصری که بیش‌ترین تاثیر را در رابطه با کاهش فقر خانواده دارند عبارت‌اند از:

الف) تراکم عضویت‌ها: عضویت هر نفر، درآمد سرانه خانوار را $1/5$ درصد افزایش می‌دهد؛

ب) ناهمگونی داخلی انجمن‌ها: افزایش 20 درصدی شاخص ناهمگونی باعث افزایش $3/3$ درصدی درآمدها می‌شود؛

ج) شرکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها: افزایش 20 درصدی این شاخص باعث افزایش $3/2$ درصدی درآمد خانوارها شده است. در مجموع گروتارت نتیجه می‌گیرد که افزایش 20 درصدی سرمایه اجتماعی در طول یک سال، درآمد خانوار را $2/3$ درصد برای هر نفر بالا خواهد برد (Grootaert, 1999:1-66).

ببینگتون و کارل در پژوهشی به مطالعه اتحادیه‌های فقرای روستایی کشور بولیوی در ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی تجلی یافته در این سازمان‌ها و اثراتی که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر توسعه محلی داشته باشد، پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که توانایی اتحادیه‌ها در برقراری ارتباط میان اعضای خود با عوامل خارجی شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، کلیساها و جنبش‌های ملی و ... متفاوت است. در همه موارد، عوامل خارجی نقش مهمی در ایجاد این توانایی داشتند و گرچه این نقش را نهادهای گوناگونی بر عهده داشتند، اما بیش‌ترین اثر از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد و کلیساها بوده است. اتحادیه‌های فقرا از طریق تقویت این ارتباطات در حفظ سرمایه اجتماعی که می‌تواند اثر قابل توجهی بر توسعه و کاهش فقر روستایی داشته باشد، نقش مهمی ایفا می‌کردند. در نهایت، محققین

چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که شبکه‌ی ارتباطات و ابعاد داخلی و خارجی ظرفیت سازمانی، مکمل یکدیگر هستند (Bebbington & Carrol, 2000: 1-45).

موریس ارتباط سرمایه اجتماعی با فقر را در سطح برخی ایالت‌های هندوستان مورد آزمون قرار داده و به این نتیجه رسیده است که میزان دارایی هر ایالت از سرمایه اجتماعی، بر توانایی آن ایالت در کاهش فقر تاثیر می‌گذارد. هم‌چنین از این تحقیق نتیجه گرفته شده است که ایالت‌هایی که از ابتدا دارای سرمایه اجتماعی بالاتری بودند، موفقیت بیشتری در کاهش فقر داشتند (Morris, 1998:1-16).

کولیر در تحقیقی که به چگونگی رابطه سرمایه اجتماعی و فقر می‌پردازد به این نتیجه رسیده است که فقرا بهره کمتری از زمان می‌برند و فرصت‌های مالی و فیزیکی کمتری دارند. از آن‌جا که تعاملات اجتماعی به زمان نیاز دارد، و از آن‌جا که سرمایه اجتماعی غالباً می‌تواند جایگزین سرمایه فردی شود، فقرا ترجیح می‌دهند که بر سرمایه اجتماعی تکیه کنند. در واقع در این پژوهش نشان داده شده است که تاثیر فقر بر سرمایه اجتماعی بیش‌تر از اثر سرمایه اجتماعی بر فقر است (Collier, 1998, 1-26).

ازکیا و فیروزآبادی نیز نقش سرمایه اجتماعی را در تشکلهای تولیدی حوزه آبریز کرخه (ایران) مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این پژوهش نظام‌های بهره‌برداری عشیره‌ای و ویژگی‌های آن در سطح بیت و بین بیوتات مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حس اعتماد در میان اعضای بیت، هنجارهای معامله متقابل در بین اعضا و اعتماد، اطاعت و احترام رهبران محلی نقش مثبت و تاثیرگذاری بر واحد تولیدی بیت داشته است. این سرمایه اجتماعی درون گروهی در سطح بیت همراه با سرمایه اجتماعی بین گروهی (روابط و شبکه‌های بین بیت‌ها) باعث شده که بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی توسعه‌ای تشکلهای تولیدی فراهم آید (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۲).

بر اساس بحث نظری در زمینه ارتباط میان سرمایه اجتماعی و پدیده فقر و با تکیه بر یافته‌های مطالعات موردی، در این پژوهش به آزمون رابطه مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی و پدیده فقر روستا با فرض رابطه معکوس میان دو متغیر پرداخته می‌شود.

۳) روش مطالعه

۳-۱) روش اجرا و ابزار مطالعه

در انجام این پژوهش ترکیبی از روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی (بحث گروهی و مصاحبه عمیق) به فراخور مراحل و اهداف تحقیق به کار گرفته شده است. از بحث‌های گروهی برای شناخت بهتر و کامل‌تر روستاهای منطقه استفاده شد. این روش اجازه داد که تعامل گروهی جریان یافته و علت برخی باورها با بصیرت نافذتر مشخص شود. فرض بر این است که در این گفتگوها، مردم آگاهی بیش‌تری نسبت به دیدگاه‌های خود پیدا می‌کنند و مجبور به تحلیل آن دیدگاه‌ها به میزانی بیش از مصاحبه فردی می‌شوند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۵-۳۰۴). هم‌چنین با استفاده از روش کیفی مصاحبه عمیق با تعداد کافی از روستاییان در حد به اشباع رسیدن اطلاعات (Burns & Grove, 2002: 255; Guest & Johnson, 2006) معیارها و شاخص‌های فقر به دست آمد. از روش کمی و ابزار پرسش‌نامه در جمع‌آوری داده‌های مربوط به مولفه‌های سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

در بحث‌های گروهی از روستاییان مطلع خواسته شد که با توجه به معرف‌های طراحی شده برای سرمایه اجتماعی، درباره وضعیت روستاهای ورامین اظهار نظر کرده و تا حد امکان، روستاهای کاملاً متفاوت را مشخص کنند. بحث‌ها بر محور پرسش‌های زیر تنظیم شده بود:

الف) چقدر روابط افراد در این روستاها با یکدیگر خوب است؟

ب) چقدر به هم اعتماد دارند؟

ج) آیا بر سر مسائل جزئی با یکدیگر درگیر می‌شوند؟

د) مسائل طایفه‌ای در میان آن‌ها چقدر است؟

ه) آیا روستاییان با هم همراه و همیار بوده و با هم مشارکت دارند؟ و...

اطلاعات مورد نیاز درباره مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی و میزان فقر به روش کمی (ابزار پرسش‌نامه) با استفاده از مدل پاکستان گردآوری گردید (پاکستون، ۱۹۹۹؛ به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۵-۲۷۹) این مدل به پیوندهای عینی و ذهنی در شکل‌گیری

روابط بین افراد در یک فضای اجتماعی اشاره دارد، و در آن اعتماد اجتماعی به دو مقوله اعتماد به افراد و اعتماد به نهادها تفکیک شده است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با شاخص‌های زیر سنجیده شدند:

انسجام اجتماعی با دو شاخص میزان تعامل روستاییان با یکدیگر و میزان نزاع در بین روستاییان مورد بررسی قرار گرفت و مشارکت اجتماعی (پارکر، ۱۹۸۵؛ به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۳) با استفاده از معرف‌های تعلق سازمانی (عضویت مشارکتی و موقعیت مشارکتی)، مشارکت در اجرا (همکاری با نهادها در اجرای برنامه‌ها و کمک‌های مالی به آنها) و مشارکت در تصمیم‌گیری (شرکت و حضور در جلسات و ارائه پیشنهاد و نظر) مورد سنجش قرار گرفت. همچنین، مفهوم فقر با استفاده از رویکرد کثرت‌گرایانه چمبرز و با انجام مصاحبه‌های عمیق با هفده نفر از روستاییان پیرامون معیارها و شاخصهای سنجش «فقر از نظر روستاییان» تعریف و مطالعه شد.

۲-۳) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در انتخاب جامعه مورد مطالعه از میان مراکز دهستان‌های شهرستان ورامین که جامعه هدف را تشکیل می‌دهند، بر اساس هدف تحقیق و امکانات مالی و زمان پژوهش، می‌بایست دو روستا که بر اساس معیارهای توسعه‌ای در یک سطح قرار داشته باشند شناسایی می‌شد.

ابتدا روستاهای شهرستان ورامین بر پایه مهم‌ترین شاخص‌های توسعه (بر اساس اطلاعات قابل دسترسی) شامل نسبت جمعیت فعال و شاغل به کل جمعیت، نرخ باسوادی، وجود نهادهای مشارکتی (شورای اسلامی)، مرکز خدمات شرکت تعاونی، دهیاری، و پایگاه‌های نیروی انتظامی و بسیج، برخورداری از امکانات آب، برق و گاز و دسترسی به امکانات بهداشتی و نیروی انسانی متخصص در امر سلامت، وضعیت پوشش رسانه‌ای و ارتباط جمع، به سه سطح از توسعه‌یافتگی تفکیک شدند و در نهایت دو روستای جلیل آباد و کریم‌آباد که از لحاظ برخورداری از امکانات توسعه‌ای در یک طبقه قرار دارند از سطح میانی انتخاب گردیدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶).

بدین ترتیب سعی گردید که عوامل و سطح توسعه‌یافتگی در این دو روستا تا حد امکان کنترل شده باشد. این دو روستا علاوه بر میزان توسعه‌یافتگی بالنسبه یکسان، از لحاظ وضع طبیعی آبادی (جلگه‌ای)، نوع راه آبادی (جاده آسفالته) و فاصله تا شهر (۱۵ کیلومتر)، که می‌تواند به عنوان متغیرهای موثر بر فقر نقش ایفا کنند، مشابه هستند.

۳-۳ تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی این مطالعه به روش شش مرحله‌ای دیکلمن و همکاران (Diekelmann, et al., 1989: 35) صورت گرفت. آنچه که از مصاحبه‌های عمیق و اطلاعات ارائه شده توسط روستاییان استنباط می‌شود این است که اکثر روستاییان، دو متغیر گدایی و گرسنگی را معیار اصلی فقر می‌دانستند. استفاده از عباراتی مثل «نان شب دارد بخورد»، «از گرسنگی نمی‌میرد»، «دستش را پیش این و آن دراز نمی‌کند»، «کسی که گدایی کند» و... به خوبی مبین این نظر است. بنابراین، با استفاده از این گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که روستاییان آگاهانه یا ناخودآگاه فقر را به دو گونه فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم کرده‌اند. فقر مطلق یعنی فرد از شدت گرسنگی بمیرد یا آنقدر تحت فشار باشد که گدایی کند و فقر نسبی آن است که فرد از داشتن نوعی سرمایه یا پشتوانه مالی و توان استفاده از برخی امکانات خاص محروم باشد.

در این پژوهش فقر با معیارهای نسبی از دید روستاییان مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، پدیده «فقیر» تعریف و شاخص‌های «فقر» از نظر روستاییان و در قالب دو مجموعه از ویژگی‌ها به عنوان درون مایه اصلی به دست آمد. از نظر روستاییان فقیر کسی است که:

الف) از داشتن هر گونه سرمایه یا پشتوانه مالی نظیر وسیله نقلیه، زمین، دام و طیور، وسایل تولید، اشتغال به کار توأم با امنیت شغلی، منزل مسکونی ملکی و سرپرست یا حمایت‌کننده مالی محروم است.

ب) امکان استفاده از امکانات خاص مانند کلاس‌های کمک آموزشی (مثل کلاس‌های

تقویتی، تفریحی، ورزشی، دانشگاه‌های غیردولتی)، مسافرت‌های تفریحی حداقل سالی یکبار، و خدمات بهداشتی درمانی خصوصی را نداشته باشد.

۴) یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در نهایت، روستاهای کریم‌آباد و جلیل‌آباد را به عنوان روستاهایی که از نظر شبکه روابط اجتماعی و میزان همبستگی میان روستاییان کاملاً از یکدیگر متفاوت هستند، ارزیابی نمودند. جمع‌بندی اطلاعات ارائه شده درباره این روستاها نشان می‌دهد که از عوامل شکل‌گیری روستای جلیل‌آباد و بسیاری از روستاهای منطقه ورامین پدیده مهاجرپذیری اطراف تهران است. بیش از ۴۰ درصد از جلیل‌آبادی‌ها به کارهای غیرکشاورزی (بازنشستگان و مستخدمین ارتش و حقوق بگیرها) می‌پردازند و تا اندازه‌ای از بافت روستایی دور شده و به بافت شهری نزدیک شده‌اند.

این منطقه از قدیم از کمبود آب رنج می‌برده و در جلیل‌آباد، تاسیس پادگان ارتش در اوایل حکومت پهلوی با هدف ایجاد محلی برای تکثیر اسب و دام ارتش سبب گردیده که مردم به تدریج در اطراف پادگان به خانه‌سازی پرداخته و مشاغل آن‌ها عمدتاً در رابطه با پادگان باشد، به طوری که بخشی از اختلافات روستاییان حول مسأله چگونگی تامین و توزیع آب دور می‌زده است.

شبکه روابط اجتماعی در روستاهای ورامین تا اندازه‌ای تحت تاثیر روابط قومی و طایفه‌ای منطقه است که از زمان زندیه (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۷۱؛ امینی و رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۸۳) با جابه‌جایی اقوام شروع شده و با تبعید تعدادی از خانوارهای مخالف حکومت و واگذاری زمین به آن‌ها برای زراعت در زمان حکومت پهلوی پدر ادامه می‌یابد (زرگری نژاد، ۱۳۷۳: ۳۷۷، ۳۷۶).

ساکنین روستای جلیل‌آباد از طایفه‌های هداوند (۳۵ درصد جمعیت)، عشایر کوتی عرب‌زبان (۲۵ درصد) تشکیل شده و بقیه اهالی بومی و از سایر طوایف هستند. روستای کریم‌آباد عمدتاً شامل طایفه هداوند و شصتی‌ها است.

تقریباً همه طوایف و عشایر و خانواده‌هایی که به هر دلیل در طی چند سده اخیر در این منطقه استقرار یافته‌اند، ارزش‌ها و آداب و رسوم قومی خود را حفظ کرده‌اند. عدم اختلاط آن‌ها با سایر روستاییان و شهریان زمینه برخورد و تنازعات جمعی را به وجود آورده که گاهی خسارت‌های فراوانی به بار آورده است.

بر پایه یافته‌های پژوهش درباره میزان سرمایه اجتماعی، مولفه‌های آن و همچنین میزان فقر می‌توان نتیجه گرفت که میزان اعتماد روستاییان به یکدیگر در سطح متوسط به بالا، و میزان اعتماد روستاییان به نهادهای دولتی در سطح متوسط به پایین است. به طور کلی در مقیاس اعتماد اجتماعی، روستاییان اعتماد اجتماعی متوسط به بالایی را دارا هستند.

با این‌که تعامل میان روستاییان در حد قابل توجه و زیادی است اما در عین حال میزان نزاع در جامعه مورد نظر در حد متوسطی وجود داشته است. مقیاس انسجام اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی نسبتاً بالایی وجود دارد.

بررسی داده‌ها به تفکیک انواع مشارکت، حاکی از آن است که میزان تعلق سازمانی، مشارکت در اجرا و مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها، در جامعه مورد مطالعه، کم است یا اصلاً وجود ندارد. در مجموع، مشارکت اجتماعی در میان روستاییان عملاً وجود ندارد. با تدوین مقیاس سرمایه اجتماعی بر اساس جمع نمرات شاخص‌های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی، می‌توان نتیجه گرفت که روستاییان، سرمایه اجتماعی در روستای خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

از مجموعه عوامل موثر بر فقر از منظر روستاییان استنباط می‌شود که روستاییان، به فقر تنها با دید درآمدی نمی‌نگرند بلکه به فقر قابلیت نیز پرداخته‌اند. ذکر عواملی چون داشتن امنیت شغلی، وجود سرپرست و حامی، امکان استفاده از کلاس‌های کمک آموزشی، بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای و حتی در پاره‌ای موارد امکان مسافرت، به‌عنوان شاخص‌های فقر، نشان‌دهنده اهمیت قابلیت در نزد روستاییان است و نه درآمد؛ چرا که شرایط خاص جامعه روستایی (جامعه مورد بررسی) مانند نبود دبیرستان و کلاس‌های آموزشی، بی‌بهره بودن روستاییان از خدمات بیمه‌ای، غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط جوی برای فعالیت کشاورزی و در نتیجه فقدان

امنیت شغلی و ... حتی با وجود درآمد مکفی، محرومیت روستایی را سبب می‌شود.^۱
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از نظر روستاییان فقر در جامعه مورد نظر در حد متوسطی وجود دارد.

جدول ۱: مقایسه میزان مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فقر در روستاهای مورد مطالعه

روستا	میزان سرمایه اجتماعی	زیاد	متوسط	کم	اصلا	کل
جلیل آباد	اعتماد	۳/۳	۴۵/۰	۳۶/۷	۱۵	۱۰۰
	انسجام	۴/۹	۱۱/۵	۲۱/۳	۶۲/۳	۱۰۰
	مشارکت	۱/۶	۳/۳	۱۴/۸	۸۰/۳	۱۰۰
	سرمایه اجتماعی	۶/۷	۳۸/۳	۳۶/۷	۱۸/۳	۱۰۰
	فقر	۵۷/۴	۲۷/۹	۸/۲	۶/۶	۱۰۰
کریم آباد	اعتماد	۵۰/۸	۴۰/۷	۵/۱	۳/۴	۱۰۰
	انسجام	۶۷/۸	۲۳/۷	۵/۱	۳/۴	۱۰۰
	مشارکت	۳/۴	۰	۱۸/۶	۷۸	۱۰۰
	سرمایه اجتماعی	۵۲/۵	۳۹/۰	۵/۱	۳/۴	۱۰۰
	فقر	۱۱/۴	۳۵/۶	۳۲/۲	۲۰/۳	۱۰۰

بررسی رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فقر گویای این است که روستایی که از سطح اعتماد اجتماعی متوسط و انسجام اجتماعی کمی برخوردار است (کریم آباد)، از فقر به میزان بیشتری رنج می‌برد ولی روستای جلیل آباد که دارای اعتماد و انسجام بالایی است فقر در آن به میزان کمتری مشاهده می‌شود. به‌طور کلی روستایی که سرمایه اجتماعی آن بیش‌تر است (کریم آباد) فقر کم‌تر و روستایی که سرمایه اجتماعی آن کم‌تر است (جلیل آباد) فقر بیش‌تری

۱. بدین ترتیب، برای سنجش فقر به هر کدام از معیارهای مطرح شده توسط روستاییان یک امتیاز داده شد. در نتیجه، مجموع نمرات و دامنه تغییرات آن بین صفر تا ده خواهد بود که هر چه نمره فرد به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده فقر بیش‌تر و هر چه به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده فقر کم‌تر است.

دارد. بنابراین وجود رابطه معکوس میان سرمایه اجتماعی و فقر قابل فرض به نظر می‌رسد. آزمون روابط فرض شده میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فقر که از ترکیب نظریه پاتنام و رویکرد چمبرز پیرامون فقر به دست آمده (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد تمامی مولفه‌های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی (به جز متغیر تعلق سازمانی در مجموع مقیاس مشارکت اجتماعی) بدون در نظر گرفتن تاثیر هم‌زمان دیگر متغیرها، رابطه معناداری با فقر دارند.

جدول ۲: نتایج آزمون روابط میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فقر

Standardized B	Sig.	F	Adjusted R ²	R	رابطه میان متغیرها
-۰/۴۱۵	۰/۰۰۰	۲۴/۹۷۴	۰/۱۵۶	۰/۴۱۹	۱- بین اعتماد اجتماعی روستاییان و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۳۳۵	۰/۰۰۰	۱۴/۷۷۵	۰/۱۰۵	۰/۳۳۵	۱-۱- بین اعتماد روستاییان به یکدیگر و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۴۳۹	۰/۰۰۰	۲۸/۲۲۰	۰/۱۸۶	۰/۴۳۹	۱-۲- بین اعتماد روستاییان به نهادهای دولتی و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۴۷۴	۰/۰۰۰	۳۴/۲۰۴	۰/۲۱۸	۰/۴۴۷	۲- بین انسجام اجتماعی روستاییان و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۳۸۳	۰/۰۰۰	۲۰/۳۴۲	۰/۱۴۰	۰/۳۸۳	۲-۱- بین تعامل روستاییان نسبت به هم و فقر رابطه منفی وجود دارد
۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	۳۶/۹۹۹	۰/۲۳۲	۰/۴۸۹	۲-۲- بین نزاع در میان روستاییان و فقر رابطه مثبت وجود دارد
-۰/۲۱۸	۰/۰۱۷	۵/۹۰۰	۰/۰۴۰	۰/۲۱۸	۳- بین مشارکت اجتماعی روستاییان و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۱۵۶*	۰/۰۸۹	۲/۹۳۵	۰/۰۱۶	۰/۱۵۶	۳-۱- بین تعلق سازمانی روستاییان و فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۳۲۴	۰/۰۰۰	۱۳/۸۵۸	۰/۰۹۸	۰/۳۲۴	۳-۲- بین مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و فقر رابطه منفی وجود دارد

ادامه جدول ۲

۰/۱۸۹	۰/۰۳۹	۴/۳۷۵	۰/۰۲۸	۰/۱۸۹	۳-۳- بین مشارکت روستاییان در اجرای برنامه‌های نهادهای فقر رابطه منفی وجود دارد
-۰/۴۵۷	۰/۰۰۰	۳۰/۹۴۶	۰/۲۰۲	۰/۴۵۷	۴- بین سرمایه اجتماعی روستاییان و فقر رابطه منفی وجود دارد

* بر اساس سطح معنی‌داری این رابطه تایید نشده است.

یافته‌های به‌دست آمده از سنجش تاثیر هم‌زمان همه متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته فقر (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که از میان هفت متغیر، تنها دو متغیر «نزاع در میان روستاییان» و «مشارکت در تصمیم‌گیری» توانسته است وارد معادله رگرسیونی شود و رابطه معناداری با متغیر وابسته «فقر» برقرار کند. بدین ترتیب متغیرهای باقی مانده سرمایه اجتماعی با توجه به ضریب تعیین ($\text{Adjusted R Square} = ۰/۲۹۵$) توانسته است حدود ۲۹ درصد از واریانس متغیر وابسته فقر را تبیین کند. به نظر می‌رسد که برای شناخت کامل‌تر عوامل موثر بر ایجاد و گسترش پدیده فقر، وارد کردن متغیرهای دیگری علاوه بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی ضروری است.

جدول ۳: نتایج رگرسیون چند متغیره رابطه متغیرهای سرمایه اجتماعی و فقر

نتیجه	Sig.	t	مولفه‌های سرمایه اجتماعی
معنادار نیست	۰/۱۱۴	-۱/۵۹۱	اعتماد روستاییان به یکدیگر
معنادار نیست	۰/۳۹۰	-۰/۸۶۲	اعتماد روستاییان به نهاد های دولتی
معنادار نیست	۰/۹۶۲	۰/۰۴۸	تعامل روستاییان با یکدیگر
معنادار است	۰/۰۰۷	-۲/۷۴۸	نزاع در میان روستاییان
معنادار نیست	۰/۳۴۲	۰/۹۵۴	تعلق سازمانی
معنادار است	۰/۰۰۹	-۲/۶۴۰	مشارکت در تصمیم‌گیری
معنادار نیست	۰/۵۶۲	۰/۵۸۱	مشارکت در اجرا

۵) نتیجه گیری

نتایج تحقیقات پیشین وجود رابطه میان سرمایه اجتماعی و متغیرهای اقتصادی نظیر تولید، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی، رفاه اجتماعی و نوسانات درآمدی را تایید می‌کند.

مدل اقتصادی فقر موریس ماتیو (Morris, 1998: 1-16) نه تنها اثرات سرمایه فیزیکی و انسانی را در خود جای داده، بلکه سرمایه اجتماعی را نیز به عنوان عامل تعیین‌کننده فقر وارد کرده است. یافته‌های این مدل حاکی از آن است که میزان دارایی‌های هر ایالت (هند) از سرمایه اجتماعی بر توانایی آن ایالت در کاهش فقر تاثیرگذار بوده است.

یافته‌های پژوهش گروتارت (Grootaert, 1999: 1-66) مبین رابطه بین دسترسی به اعتبار و توانایی تعدیل یا کنترل نوسانات درآمدی با سرمایه اجتماعی است؛ به طوری که افزایش سرمایه اجتماعی ابزار مناسبی برای مبارزه با فقر تلقی شده است.

در تحقیقات انجام شده در ایران تاثیر نبود سرمایه اجتماعی بر دو شاخص رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی توسط پژوهش‌گران بررسی شده است (سوری، ۱۳۸۴) و بیان‌گر رابطه کاملاً معنادار منفی میان شاخص‌های اقتصادی و سرمایه اجتماعی است.

لو جوپین (Loh Joobin, 2004)؛ به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۴) در مطالعه داده‌های مربوط به ۳۸ کشور (سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۰) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی رابطه مثبت داشته و از میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد به نهادهای رسمی رابطه مثبت با توسعه اقتصادی این کشورها دارد (به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۳).

در پژوهش حاضر با تدوین شاخص متغیر سرمایه اجتماعی بر اساس جمع امتیازات شاخص‌های اعتماد، انسجام و مشارکت در میان روستاییان، میزان سرمایه اجتماعی روستا به دست آمده است.

از داده‌های به دست آمده می‌توان چنین استنباط کرد که رابطه منفی میان میزان سرمایه اجتماعی و فقر در دو روستای مطالعه شده وجود دارد، به طوری که میزان سرمایه

اجتماعی در روستای جلیل‌آباد در سطح زیاد معادل ۶/۷ درصد و میزان فقر در حد ۵۷/۴ درصد به دست آمده است، در حالی که در روستای کریم‌آباد با وجود سرمایه اجتماعی در حدود ۵۲/۵ درصد، در سطح زیاد روستاییان کم‌تری از فقر رنج می‌برند. تفاوت میانگین سطح فقر و میزان سرمایه اجتماعی در هر دو روستا با استفاده از آزمون t معنی‌دار است (جدول شماره ۱).

برای درک کامل‌تر از چگونگی رابطه معکوس میان سرمایه اجتماعی و فقر، یافته‌های پژوهش را در مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد کنکاش بیش‌تری قرار داده و داده‌ها نشان می‌دهد که در مولفه مشارکت اجتماعی تنها متغیر «مشارکت در تصمیم‌گیری» با پدیده فقر رابطه معناداری نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد عدم مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های سازمان‌های دولتی فعال در روستا منجر به طراحی و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌هایی شده که کمک چندانی به بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان ننموده است. این یافته بیش‌تر یادآور نظرات پژوهش‌گرانی است که درجات متفاوتی را برای مشارکت قائل هستند. در واقع می‌توان پیوستاری از مشارکت را در نظر داشت که از عدم مشارکت شروع شده و با گذشتن از درجات مختلف مشاوره به مشارکت کامل ختم می‌گردد. مشارکت می‌تواند از ارائه صرف یک عقیده در شرایطی که مرکز ثقل تصمیم‌گیری جای دیگر است شروع شده و به اتخاذ تصمیم درباره مسأله خاصی ختم شود. هم‌چنین مطابق نظر گیلینر، سه درجه عمده مشارکت عبارتند از:

الف) سهیم شدن در اطلاعات: اطلاعات از طریق کانال‌های ارتباطی در اختیار افراد قرار می‌گیرد؛

ب) مشورت: اطلاعات به شکل دو طرفه بین مردم و کارگزاران برقرار شده و فرصت ارائه پیشنهاد وجود دارد، اما تصمیم‌گیری نهایی با کارگزار است؛

ج) تصمیم‌گیری مشترک: تصمیم‌گیری به اتفاق صورت می‌گیرد (به نقل از گیلینر، ۱۹۸۳؛ رهنمود، ۱۳۸۵: ۵۸).

بدین ترتیب در منطقه مورد مطالعه، درجه مشارکت روستاییان از سطح اول فراتر نرفته

و آنها از طریق عضویت و همکاری با نهادهای دولتی، تنها کانالی ارتباطی در اختیار دارند تا از طریق سهم شدن در اطلاعات به شناخت نسبی از وظایف یکدیگر دست یابند؛ ولی تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر و بدون مشورت و امکان ارائه پیشنهاد از سوی روستاییان اتخاذ می‌شود. در واقع نوع مشارکت، بیش‌تر «ابزاری» است که هدف آن جلب رضایت عمومی، حفظ آرامش و در بهترین شکل، افزایش بهره‌وری است. بنابراین تعریف، بقای چنین ساز و کارهای مشارکتی در گرو اثربخشی آن یعنی ارتقاء کارایی و افزایش رضایت افراد است (همان: ۳۰). با توجه به این‌که این نوع مشارکت رضایت روستاییان را جلب نکرده و در عمل وضعیت روستاییان و روستا را بهبود نداده است، می‌توان نتیجه گرفت که در پیشبرد اهداف برنامه‌های توسعه موفقیت‌چندانی نخواهد داشت. بنابراین ضروری است که امکان مشارکت بیش‌تر روستاییان در جلسات تصمیم‌گیری، ارائه پیشنهادات و مشورت با آنها فراهم شود و مسئولین نهادهای روستایی راهکارهای جلب مشارکت واقعی روستاییان را به کار گیرند. هم‌چنین فرهنگ مشارکت در تصمیم‌گیری از طریق رسانه‌های جمعی به روستاییان آموزش داده شود تا برای پذیرش مشارکت از آمادگی کافی برخوردار باشند.

علاوه بر این، در مولفه انسجام اجتماعی تنها متغیر «نزاع در میان روستاییان» با متغیر وابسته فقر رابطه معناداری نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد ریشه دوانیدن خشونت در فرهنگ جامعه و به‌کارگیری آن در حل مناقشات گروهی و فردی سبب از دست رفتن منابع با ارزشی هم‌چون زمان و نیروی کار گردیده که به وضعیت بد اقتصادی درگیرشوندگان در رابطه‌های خشونت‌آمیز انجامیده است. زیان‌های ناشی از درگیری‌ها، قتل‌ها و خسارت‌های هنگفت وارده به دارایی‌های روستا و گاه تخلیه و ویرانی روستاها، خود زمینه کافی را برای بروز و تداوم فقر فراهم کرده است. این نکته ضرورت بررسی‌های عمیق‌تر مجریان برنامه‌های توسعه را پیرامون دلایل این درگیری‌ها در منطقه ایجاد می‌کند تا راه‌حل‌های سازنده‌ای با مشارکت مردم جهت حل این مناقشات به

1. Instrumental

طریق صلح آمیز و بدون درگیری و خشونت به دست آید. آنچه در این پژوهش در رابطه با علل درگیری‌ها قابل ذکر است اختلافات اقتصادی (زمین، آب، احشام) یا اخلاقی (ناموسی) است؛ ولی دلایل اغلب درگیری‌ها را می‌توان در بافت اجتماعی ناشی از روابط قومی، تاریخی، عدم توان ارتباط و تفاهم کلامی و روحیه مردم در به‌کارگیری خشونت جستجو کرد.



- ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۳)، «سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکیل‌های تولیدی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۴.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳)، *توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- امینی، محمد و رضوان، همایون. (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ورامین (از ابتدا تا عصر پهلوی)*، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، چاپ دوم.
- بلیکی، نورمن، (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی (ترجمه حسن چاوشیان)*، تهران، نشر نی.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی (ترجمه محمدتقی دلفروز)*، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه) (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)*، تهران، نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران، نشر نی.
- چمبرز، رابرت. (۱۳۸۱)، *چالش با حرفه‌ها (عرضه‌های چالش در توسعه روستایی) (ترجمه علیرضا خرمایی)*، تهران، ارغنون.
- چمبرز، رابرت. (۱۳۷۶)، *توسعه روستایی (اولویت بخشی به فقرا) (ترجمه مصطفی ازکیا)*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغفر، حسین. (۱۳۸۴)، «فقر و ساختار قدرت در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۷.
- رهنمود، فرج‌ا... (۱۳۸۵)، *دیدمان مشارکت*، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۳)، *خاطرات اولین سپهبد ایران (احمد امیر احمدی)*، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- سوری، علی. (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی»، *مجله تحقیقات اقتصاد*، شماره ۶۹.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمد باقر. (۱۳۸۴)، «شناسایی مولفه‌های محرومیت اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۷.
- فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۴)، *بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران*، رساله دکترا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- لمبتون، آن کاترین سوینفورد. (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران (ترجمه منوچهر امیری)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ سوم.
- محمودی، وحید و صمیمی فر، سید قاسم. (۱۳۸۴)، «فقر قابلیت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۶)، شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان ورامین، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- هادی زونز، بهروز، (۱۳۸۴)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- Bebbington, Anthony J. & Carrol, Thomas F. (2000), "Induced Social Capital and Federation of the Rural Poor", **The World Bank Social Development Department, Working paper**, No.19.
- Burns, N. & Grove, S. (2002), **Understanding Nursing Research**, Singapore, Elsevier.
- Collier, P. (1998), "Social Capital and Poverty", **World Bank Social Development Department, Working Paper**, No.4.
- Diekelmann, NL.; Allen, D. & Tanner, C (1989), **The NLN Criteria for Appraisal of Baccalaureate Programs: A Critical Hermeneutic Analysis**, New York, National League for Nursing.
- Grootaert, Ch. (1999), "Social Capital, Household Welfare and Poverty in Indonesia", **The World Bank Social Development Department, Working Paper**, No. 6.
- Guest, G. & Johnson, L. (2006), "How Many Interviews Are Enough? An Experiment with Data Saturation and Variability", **Field Methods Journal**, Vol. 18, No.1.
- Morris, M. (1998), "Social Capital and Poverty In India", **The UK Department International Development, IDS Working Paper**, 61.